

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت شهدای استان تهران تبیین کردند: جریان جهانی حمایت از فلسطین ناشی از روح انقلاب اسلامی

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان تهران که در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ برگزار شده بود، عصرروز پنجشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳ در محل برگزاری این کنگره در حرم مطهر امام خمینی (ره) منتشر شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، از جمله بر کثرت مجاهدت‌های دوران دفاع مقدس را انتقال پیام ایستادگی و مقاومت در داخل و همچنین به خارج از مرزها دانستند و گفتند: بسیاری از صاحب‌نظران به صراحت اعلام می‌کنند حرکت‌هایی که این روزها در دنیا به نفع فلسطین انجام می‌گیرد ناشی از روح انقلاب اسلامی است. **صفحه ۲**



واکنش منتقدان و موافقان به حاضر نشدن پزشک‌یان در جمع خبرنگاران

تعویق سوال برانگیز یک نشست خبری

همدلی آرزو بخشنده: نخستین نشست خبری رئیس‌جمهور منتخب در ایران به عنوان یک رویداد خبری مهم همیشه مورد توجه اصحاب رسانه و مردم بوده است، چرا که آنان در این گفت‌وگو با رسانه‌ها غیر از اینکه شعارها و سیاست‌های خود تاکید می‌کنند، بلکه اولویت خود را در صحنه سیاست به تصویر می‌کشند. این رویه مستمر تا کنون این‌گونه بوده که رئیس‌جمهوری یک یا دو روز بعد از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج، این نشست

بسیار مهم را در دستور کار خود قرار می‌دادند و اعلام نظرات آنها به عنوان سیاست‌های رسمی دولت آینده مد نظر قرار می‌گرفت.

صفحه ۲



”همدلی“ از روند بی‌سابقه افزایش دما در ایران گزارش می‌دهد:

سونامی گرما

۴



رئیس‌جمهور منتخب ۱۵۰ دقیقه مهمان کشتی‌گیران بود

پزشکیان: بدون منت در کنار شما هستیم

حضور نتانیاهو در ایالات متحده، انشاق مردم جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را نمایان کرد
**وجد آمریکایی از احساسات
یک جنایتکار جنگی!**

ادامه کاهش ساعات کاری ادارات در برخی استان‌ها
**تعطیلی اجباری
زیر سایه کمبود برق**

بورس ایران تا دی ماه درجا خواهد زد
**بازار سرمایه؛ در انتظار نتایج
انتخابات آمریکا**

یادداشت‌ها

**غرب گزیده -
غرب گزیده**
علی خورسند جلالی
فعال فرهنگی

**افغان ستیزی
حزب کتی بر روی لبه تیغ!**
علی مندنی پور
فعال فرهنگی

**حمایت گنگره آمریکا از
یک جنایتکار جنگی**
دکتر سیف الرضا شهبانی
تحلیل‌گر سیاسی

**نظام عدم دسترسی
به قاضی**
محمد علی اخوت
حقوق‌دان

**تصویر حماس
در رادیو فردا**
محمود درگاهی
تحلیل‌گر سیاسی

**تذکاری در باب امر خطیر
انتخاب مدیران آموزش
و پرورش!**
محمد حسن علیی
جامعه‌شناس

یادداشت

نظام عدم دسترسی به قاضی

محمد علی اخوت - می‌خواهید دفتر یکی از شعبه‌های دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران سوالی بپرسید تلفن را چند بار می‌گیرید، اشغال است. از رو نمی‌روید برای بار پنجم می‌گیرید. تماس بر قرار می‌شود خاتمی می‌گوید: «شما با دادگاه‌های تجدید نظر تهران تماس گرفته‌اید. بانوجه به نحوه رسیدگی، از مراجعه حضوری اکینا خودداری کنید. برای تماس با دفتر شعبه‌های یک تا ده شماره یک برای تماس با دفاتر شعبه‌های ده به بالا عدد ۴ را بگیرید. عدد چهار را می‌گیرید می‌گویند: «به اول عدد شعبه ۳ اضافه کنید مثلاً اگر با دفتر شعبه ده کار دارید عدد ۳۱۰ را بگیرید « عدد ۳۱۰ را می‌گیری می‌گویند منتظر باشید. منتظر میمانی. جواب نمی‌دهد، اما کار تمام نشده است. می‌توانی عدد صفر را بگیرد با تلفنچی صحبت کنی... باز انتظار! بالاخره یک نفر صحبت می‌کند و اتصال با دفتر شعبه مورد نظر برقرار می‌شود اما دریغ از جواب دفتر شعبه، دو باره همین چرخه تکرار می‌شود تا خسته شوی، عطایش را به لقایش ببخشی. می‌توانید خودتان این موضوع را تجربه کنید. در اینجا چند نکته قابل ذکر است: اول اینکه طبق اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به‌ممنون دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به‌موجب قانون حق رجوع به آن دارد مانع کرد. «بنابر این اینکه در تلفن بگویند حق رجوع ندارید خلاف قانون اساسی است دوم اینکه از یکطرف می‌گویند بدون احضار نباید. از طرف دیگر حناز ارتباط تلفنی را اقتدر مشکل کرده که بالاخره منصرف از تماس شوی. در واقع به‌نوعی سر کارت گذاشته‌اند.

سوم اینکه اگر احیاناً بتوانی به دفتر شعبه بروی ملاقات با قاضی برونده، بخاطر کار زیاد از محلات است. مدیر دفتر هم می‌گوید «پدر جان چرا در این هوای آلوده آمده‌ای؟ برو توی خانه بنشین به سایت رجوع کن تا متوجه شوی چه اتفاقی افتاده است؟!» یعنی چه بلایی سر خودت و پرورنده‌ها آمده است. آخر یکتفرادم فقیر کارگر یا روستایی سایت را از کجا می‌شناسد که به آن رجوع کند. برای اینکه وارد سایت شود باید بروی پول بدهد ثبت ثنا کنند. این رویه مخالف ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری است که مقرر داشته: «حضور، جلب، رسیدگی به ادله، صدور رای و سایر ترتیبات در دادگاه تجدیدنظر استان مطابق قواعد و مقررات مرحله نخستین است.» عدم تشکیل جلسه رسیدگی در دادگاه‌های تجدید نظر باعث شده است که برخی قضات یا در شعبه حاضرند و طرفین پرونده را نمی‌پذیرند یا غالبند و پرونده‌ها را به خانه برده، مطالعه کرده، رای می‌دهند تا آمار بیشتری بدهند که می‌دانیم آمارگرایی چه میزان از کیفیت کار قضایی می‌کاهد.

چهارم اینکه عدم دسترسی به قاضی به معنای مخدوش شدن عدالت است که در یادداشت «در بنیان قضایی» در همین نشریه ذکر آن رفت.

پنجم اینکه می‌گویند پرونده‌ها آنقدر زیاد است که قضات محترم فرصت سر خاراندن را ندارند. اتفاقاً یکی از علت‌های فراوانی پرونده‌ها همین عدم دسترسی افراد به قاضی پرونده است؛ چراکه قاضی آنطور که باید از خواندن پرونده به واقعیت دست نمی‌یابد. تصمیم غیر واقعی موجب تشکیل پرونده‌های بیشتر می‌شود. به تجربه در یافتن که روبرو شدن صحیح قضایی با اطراف دوجا چه بسا موجب حل قضیه می‌شود و از تشکیل پرونده‌های کیفری و حقوقی بیشتر جلوگیری می‌کند. بارها شاهد است وقت‌شناسی پرونده با طرف‌های دعوا صحبت کرده‌اند قانع شده و موضوع به صلح و سازش ختم شده است. گفت‌وگوی باقاضی دادگاه و اینکه قاضی محترم با حوصله به حرف‌ها طرفین گوش کرده، توجه کند و اگر لازم شد راهنمایی او باشد باعث می‌شود مراجعه کننده با خیال راحت دادگاه را ترک کرده، از خصوصت‌ها بکاهد اما رویه بستن درها بروی مردم کینه‌ها و سوء تفاهم‌ها را بیشتر می‌کند. یک نوع سوء ظن بوجود می‌آورد.

ششم اینکه چنین روشی فساد زاست دادگاهی که در خود را بروی مراجعان ببندد راه فساد را باز خواهد کرد؛ چرا که افراد کوشش خواهند کرد هر طوطر شده، راهی به اطاق قضایی بیابند تا در خود را بگویند. شاید بگویند قضایان به دلیل از دید کار وقت ندارند. راهکاری که به‌منظر می‌رسد این است که دادسرا محترم در هفته یک روز با وقت قبلی ارباب طرفین پرونده را اجازه حضور دهند تا درد آنها را بشنوند.

حقوق‌دان

یادداشت

حمایت گنگره آمریکا از یک جنایتکار جنگی

دکتر سیف الرضا شهبانی - نتانیاهو نخست وزیر خونریز و آدمکش رژیم صهیونیستی که بزرگترین افتخارش کشتن هزاران کودک و زن و سالمند و کادرهای درمان و خبرنگار و امثالهم است به دعوت نمایندگان و سناتورهای اکثر جمهوریخواه گنگره آمریکا برای ایراد سخنرانی به واشنگتن رفت و در جمع نمایندگان و سناتورهای گنگره سخنرانی کرد طی سخنرانی به کرات از سوی قانونگذاران آمریکایی که در جنایت با وی همدل و همراه هستند مورد تشویق قرار گرفت. ممکن است برای بعضی‌ها این سوال ایجاد شود چرا گنگره چنین شخصی با دارا بودن این حد قساوت و شقاوت را به گنگره دعوت کرد؟ حقیقت این است! اگر گنگره آمریکا شخصی نظیر نتانیاهو را دعوت نکند جای تعجب و سوال است زیرا گنگره و دولت آمریکا با نتانیاهو در جنگ افروزی در جهان و کشتار بی گناهان مخرج مشترک دارند. در وای سخنرانی نتانیاهو در گنگره که بار منفی برای نظام سیاسی و قانونگذاران آمریکا در پی دارد نکات مثبتی هم برای طرفداران فلسطین در بر دارد این بار با سه سخنرانی قبلی نتانیاهو در گنگره آمریکا عمیقاً متفاوت است: ۱- متجاوز از یکصد نفر از نمایندگان و سناتورهای عمدتاً از حزب دمکرات به عنوان اعتراض در سالن سخنرانی حاضر نشدند اگر چه شرکت نکردن آن‌ها بیشتر به خاطر مخالفت با شخص نتانیاهو است تا مخالفت با رژیم صهیونیستی در اسرائیل، به هر حال شرکت نکردن آن‌ها در جای خودش حایز اهمیت است. از بر جسته ترین سیاستمداران آمریکایی که در سخنرانی نخست وزیر اسرائیل شرکت نکردند از خانم نانسی پلوسی رییس سابق مجلس نمایندگان و خانم کاملا هریس معاون رئیس‌جمهور رییس فعلی سنا و نامزد ریاست جمهوری و سناتور برنی سندرز می‌توان نام برد. ۲- اجتماع اعتراضی یهودیان آمریکا و تحصن آن‌ها در محوطه گنگره با لباس متحفظ‌الکمال قرمز رنگ و بازداشت تعدادی از معترضین در نوع خود بی نظیر و بی سابقه بود چهره نتانیاهو را که خود را طرفدار و مدافع آیین یهود معرفی می‌کند برای جهانیان بیشتر علنی کرد همچنین ماهیت آمریکا را که مخالفان اسرائیل را متمدن به یهودی ستیزی می‌کند ۳- تظاهرات مسترده مردم در مقابل هتل واتر گیتم محل اقامت نتانیاهو و مقابل گنگره با فریاد شعار بر علیه نخست وزیر جنایتکاری که در عرض نه ماه چهل هزار نفر را به شهادت رساند و نزدیک به یکصد هزار نفر را مجروح کرد و خانه‌ها را خراب کرد و شهرها را ویران نمود. ۴- پایین کشیدن پرچم آمریکا و آتش زدن آن، در قلموس سیاسی ایالات متحده آتش‌زدن پرچم آمریکا گناه ناخوشودنی است این بار آمریکایی‌ها این کار را انجام دادند در مقابلش، پرچم فلسطین را بر افراشتند که تیر دوشاخه‌ای است که در چشمان نتانیاهو و طرفداران آمریکاییش فرو رفته ۵- جملات که برزنی سندرز در مورد سفر نتانیاهو و سخنرانی در گنگره گفته گواه بر رسوایی سفر و سخنرانی است. سندرز گفت: **What is a war criminal doing on our Senate floor? It's dark day for all Americans and American history to allow a convicted criminal by the ICJ to come on stage in our country. This is a slap in the face to the people**

این جنایتکار جنگی در مجلس سنای ما چه می‌کند؟ حضور نتانیاهو، این جنایتکار جنگی لکه ننگ و روز سیاهی است برای همه آمریکایی‌ها و تاریخ آمریکا که اجازه می‌دهند یک جنایتکار جنگی محکوم شده توسط دادگاه کیفری بین‌المللی ICJ در کشور ما روی صحنه بیاید. حضور این جنایتکار در مجلس آمریکا تک کردن به صورت وجدان مردم در جهان و سیلی محکمی بر صورت مردم مخالف جنگ و کشتار در امریکاست. **تحلیل گرسیاسی**

یادداشت

افغان ستیزی، حزکتی بر روی لبه تیغ!

علی مندنی پور - این روزها تشکیل کمپین‌هایی را با خواسته بیرون راندن افغان‌ها از کشور باشعارهای تند و تیز به بهانه ارتکاب قتل و تجاوز و بکارگیری خشونت‌های کور توسط «جماعتی» از این جامعه چند میلیونی شاهدیم. در وهله ی نخست و از دریچه نگاه احساسی و هیجانی می‌توان حق را به‌جانب آثانی داد که مشوق بر ویا قرص شهروندان اند. در پیوستن به این کمپین‌ها آلمان همه ی واقعیت نیست. قسه سیل مهاجرت ناخواسته و در پاره‌ای از موارد «حساب شده» افغان‌ها به ایران سسر دراز دارد، قضیه پیچیده‌تر از آنست که با اخراج کسری از این جمعیت میلیونی آن را تمام شده بینگاریم. یک روی سکه را دیدن و بر مبنای آن تصمیم گرفتن دوی درد نیست. این سکه روی دیگری هم دارد که برای برون رفت از وضعیت آزار دهنده موجود چاره‌ای جز دیدن و درس گرفتن از آن نداریم. این معضل را از منظرهای گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، بویژه سیاسی باید دید و سپس به‌پیدا کردن بکراره حل اصولی با کمترین آسیب اندیشید، راه حلی بنیادی با تکیه بر «اخلاق انسانی» و صدا البته بهره‌گیری از دیدگاه صاحب‌نظران در زمینه‌های؛ تاریخی، جغرافیایی، قومی و مذهبی، چه اگر چنین نقشه راهی ترسیم نشود، امید به گشودن این گره کور نمی‌رود. از منظر فرهنگی کشور افغانستان تا زمان نادرشاه و پس از آن ولایت هرات تا ۱۸۵۷م (۱۶۷۰ سال پیش) جزئی از سرزمین ایران بزرگ بوده است که در این تاریخ بر طبق معاهده پاریس از ایران جدا و از آن زمان تاکنون به این اشتراک فرهنگی عشق ورزیده و فارس زبانان این کشور پیوند تاریخی - فرهنگی‌شان با سرزمین مادری یعنی ایران را حفظ کرده، در زنده نگه‌داشتن همت گمارده و به آن می‌بالند. از این جهت ایران می‌تواند و می‌بایست مامنی برای اینان باشد، که هست. از منظر اخلاقی-عاطفی، ایران در جایگاه کشوری مسلمان میزبان مهاجرانی رانده شده از کشور مسلمان همسایه یعنی افغانستان را عهده‌دار گردیده که چنین میزبانی دور از انتظار نبوده و نیست. از منظر اقتصادی، جمعیت زیادی از این مهاجران در گذر دهها سال در جای‌جای کشور سکنا گزیده و نقش پر رنگی را در اقتصاد ایفاء کرده‌اند، تا آنجا که با گذشت زمان این نقش در بیج مهره‌های صنعت، کشاورزی، دامداری و خدمات خود را پر رنگ‌تر نشان داده و می‌دهد و اگر منصفانه به دایره بنشینیم، در صورت خلاء وجودی این جماعت پرکار، سخت کوش و نیروی کارآرزان، پر کردن جای آنها در کشور کارچندان ساده و راحتی نخواهد بود.

از منظر اجتماعی ناخمووانی‌هایی میان جماعتی از جامعه افغان‌های مقیم کشور و شهروندان ایرانی در گذر زمان بویژه در چند سال گذشته پدیدار که منجر به قتل و خشونت و بر خورد‌های غیر اخلاقی شده است به‌گونه‌ای که همین حرکت‌ها به نوعی از امنی و بهتر بگویم جو احساس نا امنی در نقاطی از کشور که بیشترین تعداد این مهاجران را در خود جای داده اند دامن زده است که اگر تمهیدی برای آن اندیشه نشود، در آینده‌ی نزدیک به بحران بزرگ و غیر قابل مهار اجتماعی منجر خواهد شد!

از منظر سیاسی، در این باره حرف و حدیث بسیار است. آمار دقیق ورودی افغان‌ها در قالب مهاجرت‌های خود خواسته و یا نا خواسته (پناهنده) بر ما معلوم نیست. وزارت کشور در جایگاه متولی این مهم به عادت معهود از بیان رقم واقعی این جماعت همواره سرباز زده است، تو گوئی رمز و رازی در این پنهان کاری نهفته است. این رقم بین پنج تا ۹ میلیون ارزیابی می‌شود. نمودارها حکایت از آن دارند، ورود افغان‌ها به ایران از سال ۱۳۷۶ تا کنون سیر صعودی داشته است؛ بگونه‌ای که در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی رقمی جزئی و در سه سال گذشته حدود ۳ میلیون را نشان می‌دهد. بر ما معلوم نشد، اما بی تردید بر کارگزاران سیاست کشور و تصمیم گیرندگان در پشت درهای بسته معلوم بوده است، چرا «سیاست درهای باز» را برای همسایه شرقی (افغانستان) آن هم پس از سلطه طالبان بر این کشور در پیش گرفته ایم، برای رسیدن به کدام هدف و با کدامین حساب و کتاب، مقام‌های مسئول به پیشبرد این سیاست تسخیر شده دامن زده و به آن سرعت بخشیده‌اند؟ راستی کدامیک از مقام‌های لشکری و کشوری تبعات سنگین سیاسی-امنیتی درهای باز را برای امروز و فردای ایران به ارزیابی ننگشته‌اند؟ آیا مقام‌های مسئول سیاسی-امنیتی به پیشینه آثانی که با این حاتم بخشی قدم به خاک ایران گذاشته می‌گذارند و در جای‌جای این سرزمین در پوشش کارگر و کارمند و فنی کار و کشاورز و فروشنده و سرمایه‌دار و دامدار و راننده و خدمتکار و... و... سکنا گزیده و می‌گزینند، اشراف و دسترسی داشته و دارند؟! **ادامه در صفحه ۵**

یادداشت

غرب گزیده - غرب گزیده

علی خورسند جلالی - مدت مدیدیست تنور مهاجرت کاری، تحصیلی و... از همیشه داغ‌تر شده و هم‌وطنانمان به هر لطایف الحیلی که مقدور است خواهان دستیابی به آن شده‌اند. هدف نویسنده از این یادداشت محکوم کردن کسانی که به هر علت خواسته قلبی‌شان خروج از کشور شده، نیست، همچنین نمی‌خواهد نخبه واقعی را ابتدا سرزنش و پس از آن، وطن پرست خطاب کند تا در منگنه وطن پرستی بماند و بخواهد با لاجابز بماند تا به کشورش خدمت کند. ایضا از آمار انتشار یافته فرار مغزها آگاهی دارد و می‌داند اگر نتخیگان برون‌دچه بسا پخ‌گمان باید جای آن‌ها را پر کنند و این برهانی است مبرهن جهت افزایش ناکار آمدی و از بین رفتن امید به آینده ایران و شروع مجدد این چرخه منحوس. منابع در خصوص انواع مهاجرت که آماری باشند (نه توصیفی) و قابل اتکا بسیار نادر است. از محدود پایش‌های قابل اطمینان می‌توان به پایش رصدخانه مهاجرت ایران که با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تأسیس شده، اشاره کرد. در سرشماری سال ۹۵ پیمایش انجام شد که بر اساس آن یک سوال از نمونه آماری ۸۲ هزار نفری پرسیده شد، جواب آن هم به بله یا خیر بود. سوال این بود که «شما تمایل به زندگی در خارج از کشور دارید؟» ۲۹.۸ درصد پاسخ مثبت داده بودند. از نکات مغفول در پایش فوق، می‌توان به سال انجام پایش اشاره داشت که پس از تاریخ یادشده، جامعه ایران، بحران‌های اجتماعی و سیاسی سختی را تجربه کرده؛ همچنین سن، میزان تحصیلات و اطلاعات دیگری از جامعه هدف در دسترس نیست اشاره داشت. اما رصد میدانی نویسنده حاکی از آن است که اگر از همان ۸۲ هزار ناشناس همان سوال دوباره پرسیده شود، درصد پاسخ مثبت بی شک بالاتر خواهد بود. این گزاره، خبر غریب‌گزیدی (غریب فرهنگی) بخشی از جامعه ایران را بنا به دلایل مختلف می‌دهد. با این تفسیر دولت سال‌هاست برای مقابله به مثل با پدیده مهاجرت، نوعی طرح‌هایی مانند آزدسازی مدرک و تعهد خدمت فارغ التحصیلان دانشگاهی را در دستور کار قرار داده که بپروگراسی‌ایست مذیوحانه. پیشینه‌ها می‌شود با افزایش شایسته‌سالاری در انتصابات و افزایش امید در بطن جامعه از پدیده فوق‌الذکر جلوگیری گردد. ولیکن مهاجرت کاری، تحصیلی و... ابعاد ناشناخته دیگری نیز دارد، که متقاضیان مهاجرت کمتر به آن‌ها توجه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، اختلاف فرهنگی بین ایران و کشور مقصد است که به احتمال زیاد از نظر روانی بر فرد تاثیر بگذارد. نکته حائز اهمیت بعدی شهروند در چه دو بودن است، با اینکه در بسیاری از کشورها مسئله نژاد پرستی تبیین و حل شده اما هنوز آماجی از آن را، در بعضی کشورها می‌توان یافت. همچنین می‌توان نگاه صفر و صد علاقه‌مندان به مهاجرت را مورد نقد و بررسی قرار داد. جماعت قلبیلی از آن‌ها، کشور مقصد را مدینه فاضله می‌پندارند و زمانی که با واقعیات آن کشور مواجه گشته، دچار گسست و فروپاشی ذهنی می‌شوند. بار بار مک کومیز در کتابی به صراحت گفته است تصویر که مردم در ذهن خود از دنیای بیرون دارند به طور عمدی منبعث از رسانه‌های جمعی است و بدون داشتن سواد رسانه امکان اشتباه در تحلیل به وجود می‌آید. نکته نهایی هم آنکه باید برای مهاجرت، تمام شرایط، من جمله شریای قلبیلی و تفاوت زبانی و... را در نظر گرفت تا با پدیده‌های پیش‌بینی نشده در آن هنگام مواجه نشویم. باری، عاقبت الامر آنکه به درستی با غلط غرب را به عنوان مقصد مهاجرت می‌گزینیم و در مواردی، به دلیل نداشتن اطلاعات کافی از آن گزیده می‌شویم. **فعال فرهنگی**